

بیمه قراردادهای پژوهشی
مبانی و احکام قانونی، رویه‌های جاری

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۳.....	مقدمه
۵.....	مبانی و مستندات قانونی دریافت حق بیمه
۱۱.....	رویه‌های دریافت حق بیمه
۱۳.....	پیامدهای ناشی از رویه‌های جاری دریافت حق بیمه
۱۵.....	ارزیابی مبانی قانونی و رویه‌های دریافت حق بیمه
۲۲.....	نتیجه‌گیری
۲۴.....	پیشنهاد
۲۵.....	منابع و مآخذ



بیمه قراردادهای پژوهشی مبانی و احکام قانونی، رویه‌های جاری

چکیده

سازمان تأمین اجتماعی با استفاده از مفاد ماده (۳۸) قانون تأمین اجتماعی قراردادهای پژوهشی را مقطعه‌کاری لحاظ کرده و با استفاده از اختیارات قانونی ماده (۴۱) قانون تأمین اجتماعی با اعمال ضریب پیمان از آنها حق بیمه دریافت می‌کند. حال آنکه پژوهش را بنا به ماهیت آن نمی‌توان مقطعه‌کاری دانست، زیرا مقطعه‌کاری در فعالیت‌های عمرانی موضوعیت می‌یابد و پژوهش فعالیت علمی است که عموماً توسط کسانی انجام می‌شود که در دانشگاه، یا مؤسسه‌های آموزشی یا پژوهشی شاغلند و نزد سازمان تأمین اجتماعی یا سازمان بازنشستگی کشوری بیمه هستند. مضاف بر آن اساساً استفاده از اختیارات قانونی ماده (۴۱) قانون تأمین اجتماعی و تسری مفاد آن به ماده (۳۸) که خود از صراحت لازم برخوردار بوده و دریافت حق بیمه را براساس ماده (۲۸) استوار کرده محل ایراد است. علاوه بر آن مطابق قواعد و محاسبات بیمه‌ای که مبنای عمل سازمان‌های تأمین اجتماعی در کشورهای مختلف است، دریافت حق بیمه متناسب با خدمات ارائه شده است. به همین لحاظ نمی‌توان حق بیمه‌ای دریافت کرد که قرار نیست بابت آن خدمتی ارائه شود، درحالی که سازمان تأمین اجتماعی در قبال دریافت حق بیمه قراردادهای پژوهشی عموماً برای کسی سابقه لحاظ نکرده و کسی را برخوردار از بیمه نمی‌کند. گذشته از

آن، مطابق مقررات خود سازمان تأمین اجتماعی دریافت حق بیمه نمی‌تواند بیشتر از سقف مصوب باشد. از این نظر نیز دریافت حق بیمه از قراردادهای پژوهشی که در اکثر موارد چندین برابر سقف مصوب سازمان است و از افرادی دریافت می‌شود که عموماً بیمه شده سازمان و یا سازمان بازنشستگی کشور هستند (و دریافت حق بیمه مجدد از آنها موضوعیت ندارد)، به لحاظ قانونی محل ایراد است. این سخن بدان معناست که نمی‌توان منطق مالیات بر درآمد را بر بیمه استوار کرد. درحالی که سازمان تأمین اجتماعی با اتخاذ چنین رویکردی نگاهی مالیاتی به قراردادهای پژوهشی دارد. اگر این رویکرد سازمان تأمین اجتماعی را بپذیریم باید از همه قراردادهای وکالتی که بین وکلا و موکلین منعقد می‌شود هم حق بیمه دریافت کرد. همین‌طور از قراردادهایی که بین پزشکان متخصص با بیمارستان برای انجام اعمال جراحی منعقد می‌شود. به همین منوال می‌توان فعالیت‌های بسیار دیگری را با استناد به همین منطق سازمان، مشمول دریافت حق بیمه کرد. اما پرواضح است که چنین منطقی پذیرفتنی نیست. لازم به ذکر است که براساس مفاد بند «ج» ماده (۱۱) قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی (مصوب ۱۳۸۷)، دریافت حق بیمه تأمین اجتماعی صرفاً براساس لیست است و بنابراین سازمان تأمین اجتماعی با توجه به مفاد این قانون نیز نمی‌تواند بر قراردادهای پژوهشی اعمال ضریب کند. بر همین مبنا هم دیوان عدالت اداری بخشنامه‌های جدید درآمد سازمان تأمین اجتماعی را ابطال کرده است. با این حال نظر به اینکه رویه‌های موجود نشان از عدم رعایت مفاد قانون یاد شده توسط سازمان تأمین اجتماعی دارد، اصلاح رویه ناصواب



سازمان تأمین اجتماعی در خصوص بیمه قراردادهای پژوهشی ضرورتاً باید از طریق اصلاح ماده (۳۸) قانون تأمین اجتماعی انجام شود.

مقدمه

بیمه قراردادهای پژوهشی یکی از مسائل مهم در حوزه پژوهش است که معمولاً در دو شکل بیمه محتوا یا موضوع پژوهش و بیمه شاغلان در امر پژوهش مطرح می‌شود. بیمه محتوا یا موضوع پژوهش عموماً ناظر به تأمین خسارت‌های احتمالی ناشی از به نتیجه نرسیدن پژوهش، مخاطرات و اتفاقاتی است که در حین پژوهش رخ می‌دهد و مانع از ادامه پژوهش می‌شود. بیمه شاغلان نیز به بیمه محققان و پژوهشگران از نظر برخورداری از مزایای تأمین اجتماعی همچون بازنشستگی، درمان و... اشاره دارد که در قالب بیمه تأمین اجتماعی نمود می‌یابد. بیمه پژوهش به معنای اول آن عموماً در حوزه بیمه‌های تجاری و بیمه دوم در حوزه بیمه‌های اجتماعی موضوعیت می‌یابد. آنچه در این گزارش از بیمه قراردادهای پژوهشی مراد می‌شود، بیمه تأمین اجتماعی است که ناظر به بیمه پژوهشگران و یا فعالینی است که در حوزه پژوهش به فعالیت مشغولند.

این نوع از بیمه پژوهش که بهتر است بیمه پژوهشگران نام گیرد، در کشور ما همانند بیمه اجتماعی سایر افراد عموماً توسط دو سازمان بازنشستگی کشوری و سازمان تأمین اجتماعی انجام می‌شود. در حالی که پژوهشگر جزء شاغلین رسمی در یکی از دستگاه‌های اجرایی (اعم از دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی، مؤسسه‌های

پژوهشی و...) باشد مشمول صندوق بازنشستگی کشوری و در غیر این صورت عموماً تحت پوشش صندوق تأمین اجتماعی قرار می‌گیرد و مطابق با قوانین تأمین اجتماعی با پرداخت حق بیمه می‌تواند از مزایای آن استفاده کند. در این صورت پژوهشگر نیز همانند سایر اقشار، بیمه شده‌ای است که در صورت عضویت در صندوق تأمین اجتماعی موظف به پرداخت حق بیمه است و البته شرط برخورداری از مزایای صندوق یاد شده نیز پرداخت حق بیمه است. علیرغم رویه یاد شده سازمان تأمین اجتماعی با استناد به برخی مواد قانون تأمین اجتماعی (مصوب ۱۳۵۴) از قراردادهای پژوهشی حق بیمه‌ای بین ۷ تا ۳۰ درصد مبلغ قرارداد پژوهش دریافت می‌کند. کسر چنین میزانی از قراردادهای پژوهشی که عموماً توسط اعضای هیئت علمی انجام می‌شود که خود به‌عنوان افراد حقوق‌بگیر به سازمان تأمین اجتماعی یا سازمان بازنشستگی کشوری حق بیمه پرداخت می‌کنند، مسائل و مشکلات زیادی را برای نظام پژوهش در کشور به‌وجود آورده است. به‌زعم بسیاری از پژوهشگران کشور (اعم از شاغل در بخش دولتی و غیردولتی) دریافت چنین حق بیمه‌ای که حتی با محاسبات بیمه‌ای و مقررات خود سازمان تأمین اجتماعی نیز همخوانی ندارد، عملاً موجب افزایش هزینه‌های پژوهش، طولانی شدن زمان اجرا (به‌دلیل به‌درازا کشیدن فرآیند بوروکراتیک)، کاهش انگیزه، ایجاد برخی رویه‌های ناصواب و... شده است. به‌دلیل بروز چنین پیامدهایی است که برخی از رؤسای دانشگاه‌ها طی نامه‌ای به وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی از وجود چنین رویه‌ای



گلایه کرده و خواستار اصلاح آن شدند. به‌زعم صاحب‌نظران، بیمه قراردادهای پژوهشی یکی از مهمترین مسائل و چالش‌های ارتباط میان صنعت و دانشگاه است. مسائل و مشکلات ایجاد شده از این ناحیه برای نظام پژوهش کشور در شرایطی اتفاق می‌افتد که بیش از هر زمان دیگری به تقویت نظام پژوهش کشور نیاز است. با توجه به مسائل و مشکلاتی که به‌واسطه دریافت چنین حق بیمه‌ای برای نظام پژوهش کشور به‌وجود آمده است و به منظور بررسی موضوع، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی سلسله نشست‌هایی را با حضور کارشناسان تأمین اجتماعی، پژوهشگران، استادان دانشگاه و برخی معاونان پژوهشی دانشگاه‌های تهران برگزار کرد.^۱ حاصل نشست‌های یاد شده گزارش حاضر است که در صدد است تا با بررسی موضوع از نظر مبانی قانونی دریافت حق بیمه، مکانیسم‌ها و رویه‌های دریافت آن، چالش‌های آن را احصا کرده و با بازخوانی مبانی و مبادی قانونی آن، راهکارهایی برای رفع مشکل ارائه دهد.

مبانی و مستندات قانونی دریافت حق بیمه

دریافت حق بیمه قراردادهای پژوهشی تا تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۵ براساس بخشنامه

۱. نشست «بررسی مسائل و مشکلات دانشگاه‌ها در خصوص بیمه قراردادهای پژوهشی» با حضور نمایندگان دانشگاه‌های امیرکبیر، شریف، علم و صنعت، نماینده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، نماینده سازمان تأمین اجتماعی و کارشناسان گروه آموزش عالی مرکز پژوهش‌های مجلس در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۲، نشست‌های گروه آموزش عالی مرکز پژوهش‌های با کارشناسان تأمین اجتماعی در تاریخ‌های ۱۳۹۱/۸/۲۴، دفتر مطالعات اجتماعی، گروه آموزش و تحقیقات، سه‌شنبه ۱۳۹۱/۸/۲.

شماره ۱۴ سازمان تأمین اجتماعی انجام می‌شد که براساس مصوبه شماره ۱۱۰۰/۴۱۱۲ مورخ ۱۳۷۸/۴/۲ هیئت مدیره سازمان تدوین شده بود. این تصمیم نیز ظاهراً با استناد به ماده (۳۸) و (۴۱) قانون تأمین اجتماعی (مصوب ۱۳۵۴) گرفته شده بود. در ماده (۳۸) اشاره شده است که «در مواردی که انجام کار به‌طور مقطعه به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار می‌شود کارفرما باید در قراردادی که منعقد می‌کند مقطعه‌کار را متعهد نماید که کارکنان خود، همچنین کارکنان مقطعه‌کاران فرعی را نزد سازمان بیمه نماید و کل حق بیمه را به‌ترتیب مقرر در ماده (۲۸) این قانون بپردازد». ماده (۴۱) نیز اشعار دارد که «در مواردی که نوع کار ایجاب کند سازمان می‌تواند به پیشنهاد هیئت مدیره و تصویب شورای عالی سازمان نسبت مزد را به کل کار انجام یافته، تعیین و حق بیمه متعلق را به همان نسبت مطالبه و وصول نماید». در واقع سازمان تأمین اجتماعی با استناد به ماده (۳۸) قراردادهای پژوهشی را نوعی مقطعه لحاظ می‌کند و براساس ماده (۴۱) نیز آن را از جمله «کارهایی» می‌داند که ماهیتاً ایجاب می‌کند که حق بیمه به‌صورت درصدی از کل مبلغ قرارداد دریافت شود. بخشنامه موصوف نیز قراردادهای پژوهشی را به چند دسته تقسیم کرده و وضعیت هر یک را از نظر پرداخت حق بیمه مشخص کرده است:

- در مواردی که قرارداد تحقیقاتی و پژوهشی با دانشگاه‌ها یا مراکز علمی و یا مؤسسات وابسته به آنها به‌عنوان پیمانکار یا مجری منعقد می‌شود، چنانچه دانشگاه یا مراکز مذکور وابسته به وزارتخانه‌ها باشد و طبق پرونده‌ای که نزد سازمان دارد بدهکار نبوده و یا اصلاً کارکنان آن مشمول قانون تأمین اجتماعی نباشد، بدون



محاسبه و مطالبه وجهی بابت حق بیمه قرارداد مفاصاحساب مربوط صادر می‌شود. - در مواردی که مؤسسات تحقیقاتی و پژوهشی وابسته به دانشگاه‌ها و یا سایر مراکز علمی دولتی، دارای شخصیت حقوقی مستقل باشند و همچنین در مؤسسات تحقیقاتی و پژوهشی بخش خصوصی که دارای دفاتر قانونی می‌باشند و آن را جهت حسابرسی در اختیار سازمان قرار دهند، دفاتر قانونی، مبنای محاسبه و وصول حق بیمه قراردادهای منعقد می‌باشد، به این ترتیب چنانچه طبق دفاتر قانونی فاقد بدهی باشند، صدور مفاصاحساب قراردادهای آنها بلامانع خواهد بود.

- در مورد کلیه اشخاص حقوقی فاقد دفاتر قانونی، با توجه به استفاده از رایانه، نرم‌افزار و... برای انجام قراردادهای تحقیقاتی و پژوهشی، قراردادهای مزبور به‌طور کلی مکانیکی محسوب و حق بیمه به مآخذ ۷ درصد محاسبه و وصول می‌گردد (مصوبه مورخ ۱۳۷۰/۴/۲۴).

- در مواردی که قرارداد تحقیق و پژوهش با شخص حقیقی (یک نفر یا چند نفر به‌صورت دسته‌جمعی) منعقد شود، با توجه به ابعاد تخصصی کار تحقیقات و پژوهش و اجتناب ناپذیر بودن مشارکت مستقیم خود شخص حقیقی به‌عنوان مجری در انجام امور کار بدون توجه به ماهیت نیروی انسانی که به کار گمارده می‌شوند (چون شرایط مربوط به ماده (۳۸) قانون تأمین اجتماعی حاصل نمی‌گردد)، از شمول بیمه معاف و لازم است از محاسبه و مطالبه حق بیمه قراردادهای مذکور به‌طور کلی خودداری و مفاصاحساب داده شود.

به‌دلیل اعتراض‌هایی که از سوی جامعه دانشگاهی و پژوهشی کشور نسبت به بخشنامه یاد شده انجام شد، سازمان تأمین اجتماعی بخشنامه دیگری با عنوان

«نحوه محاسبه حق بیمه قراردادهای پژوهشی و تحقیقاتی» در قالب بخشنامه ۱۴/۸ جدید درآمد در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۶ صادر کرد. این بخشنامه تقریباً همان بخشنامه قبلی است با این تفاوت که^۱ توضیح داده شده است که چه قراردادهای پژوهشی و چه قراردادهایی غیرپژوهشی هستند، به انضمام ذکر برخی مراکز آموزشی و پژوهشی که از نظر سازمان مؤسسه پژوهشی قلمداد می‌شوند. اما بخش اصلی قرارداد که نحوه محاسبه بیمه قراردادهای پژوهشی است تغییر زیادی پیدا نکرده و در بسیاری از موارد شرایط را سخت‌تر و پیچیده‌تر کرده است. این بخش که اصلی‌ترین قسمت بخشنامه یاد شده است در قالب چند بند شرایط را توضیح داده است:

الف) در مواردی که قرارداد تحقیقاتی و پژوهشی با دانشگاه‌ها با مراکز علمی دولتی و یا مؤسسات وابسته به آنها و یا مؤسسات وابسته به آنها و یا موارد مندرج در بند «۲» فوق به‌عنوان پیمانکار منعقد و پیمانکار مزبور نیز دارای شخصیت حقوقی و مستقل نبوده و وابسته به وزارتخانه‌ها و کارکنان آنان مشمول صندوق حمایتی خاص غیر از تأمین اجتماعی باشند، در این صورت باید بدون محاسبه و مطالبه وجهی بابت حق بیمه قرارداد، مفاصاحساب مربوطه صادر شود.

ب) در مواردی که قرارداد تحقیقاتی و پژوهشی توسط مؤسسات و مراکز مندرج در بند «۲» که دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشند، منعقد و انجام شود، چنانچه مجری، دارای دفاتر قانونی بوده و آن را جهت حسابرسی در اختیار سازمان قرار دهد، دفاتر قانونی آنان مبنای محاسبه و وصول حق بیمه قرار گرفته و صدور مفاصاحساب قرارداد

۱. جلسه بررسی بخشنامه جدید تأمین اجتماعی در خصوص قراردادهای پژوهشی با حضور کارشناسان تأمین اجتماعی.



آنان با رعایت بند یک بخشنامه ۱۴/۲ جدید درآمد بلامانع خواهد بود.

ج) در مواردی که قرارداد تحقیقاتی و پژوهشی توسط اشخاص حقوقی فاقد دفاتر قانونی انجام می‌شود چنانچه برابر گواهی واگذارندگان کار در قرارداد از رایانه و نرم‌افزار و سیستم‌های سخت‌افزاری و ... استفاده شود. قرارداد کلاً مکانیکی محسوب و حق بیمه متعلقه وفق ماده (۲) مصوبه مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۲۴ محاسبه و مطالبه خواهد شد.

د) در مواردی که قرارداد تحقیقاتی و پژوهشی با شخص حقیقی (یک یا چند نفر به صورت دسته‌جمعی که اسامی کلیه افراد در متن قرارداد به‌عنوان پیمانکار درج شده باشد) منعقد شود با توجه به ابعاد تخصصی کار تحقیقات و پژوهش و اجتناب ناپذیر بودن مشارکت شخص پیمانکار به‌عنوان مجری در انجام کار قرارداد چنانچه با تأیید واگذارنده کار موضوع عملیات به تنهایی و توسط شخص پیمانکار انجام شده باشد، قرارداد مشمول ماده (۳۸) قانون تأمین اجتماعی نبوده و از اعمال ضرایب معاف است.

مقایسه بخشنامه جدید با بخشنامه قبلی در بند «۱» نشان می‌دهد که در بخشنامه جدید مجری بودن دانشگاه‌ها در انجام پژوهش حذف شده است، در بخشنامه قبلی اشاره‌ای به وضعیت استخدامی کارکنان مجری یا پیمانکار دانشگاهی نشده بود، اما در بخشنامه جدید، صرفاً کارکنان رسمی مد نظر قرار گرفته شده‌اند و این به منزله عدم شمولیت مفاد این بند به اعضای هیئت علمی جدید است که به‌صورت پیمانی در دانشگاه‌ها فعالیت دارند و البته تا زمانی که حائز داشتن ۷۵ درصد از امتیازات دانشیاری نباشند عملاً نمی‌توانند رسمی شوند.

مقایسه بند «۲» بخشنامه جدید با بخشنامه قبلی که وضعیت مؤسسات تحقیقاتی و پژوهشی وابسته به دانشگاه‌ها و یا سایر مراکز علمی دولتی را مشخص می‌کرد نیز

نشان از آن دارد که با منوط کردن ارائه مفاسدحساب به مؤسسات یاد شده به این که مؤسسات یاد شده «فاقد بدهی قطعی یا برآوردی باشند و یا ترتیب پرداخت داده شده باشد» شرایط پیچیده‌تر و سخت‌تر شده است، زیرا در بخشنامه قبلی صرفاً به اینکه مؤسسات مذکور «فاقد بدهی باشند» اشاره شده بود.

در بند «۳» بخشنامه جدید که نحوه دریافت حق بیمه از اشخاص حقوقی فاقد دفاتر قانونی را مشخص می‌کند نیز وضعیت به گونه‌ای سخت‌تر شده است، زیرا مکانیکی تلقی شدن قرارداد و اعمال ضریب ۷ درصد بر خلاف بخشنامه قبلی به تأیید و اگذارکننده منوط شده است.

در بند «۴» نیز بخشنامه جدید علیرغم تصریح بخشنامه قبلی بر عدم احراز شرایط ماده (۳۸) و در نتیجه عدم اعمال ضریب، راه را برای اعمال ضریب باز کرده است.

در کل از نظر کارشناسان بخشنامه جدید همان بخشنامه قبلی است، هرچند که با افزودن برخی نکات کلی شرایط را پیچیده‌تر کرده است. لازم به ذکر است که دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۵ با استناد به حاکمیت قانون «رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی (مصوب ۱۳۸۷) و بند «ج» ماده (۱۱) آن، که اشعار دارد که «وزارت رفاه و تأمین اجتماعی موظف است حق بیمه تأمین اجتماعی پیمانکاران طرح‌های عمرانی و غیر عمرانی یا بدون مصالح و با مصالح را صرفاً بر مبنای لیست ارائه شده توسط پیمانکار دریافت نماید» بخشنامه‌های جدید درآمد سازمان تأمین اجتماعی را ابطال کرده است.^۱

۱. رأی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۷۸۴-۷۸۳ به کلاسه پرونده ۹۰/۵۱۹-۸۸/۵۶۶ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۵.



رویه‌های دریافت حق بیمه

رویه دریافت حق بیمه قراردادهای پژوهشی به‌زعم برخی از نمایندگان دانشگاه‌ها که درگیر موضوع بوده‌اند، متفاوت است. براساس اظهارات برخی از آنها «رویه‌های دریافت کسورات بیمه‌ای در شعب سازمان تأمین اجتماعی متفاوت و حتی از یک کارشناس به کارشناس دیگر تفاوت دارد. حتی در مورد قراردادهای مشابه نیز رویه‌های غیریکسان اعمال می‌شود که البته تالی‌های فاسدی نیز به‌دنبال دارد».^۱

براساس مصاحبه‌های به‌عمل آمده با برخی از مدیران شرکت‌های پژوهشی و همچنین نمایندگان برخی دانشگاه‌ها، میزان دریافت حق بیمه بین ۷ تا ۳۰ درصد در نوسان است.^۲ علت دامنه تغییر بسیار زیاد این نرخ نیز براساس مصاحبه‌های یاد شده عموماً تفسیربردار بودن بخشنامه‌های یاد شده است. از نظر مسئولان برخی دانشگاه‌ها^۳ و برخی پژوهشگران،^۴ مبنای کسر حق بیمه از قراردادهای پژوهشی تشخیص و به‌عبارت دیگر تفسیر کارشناس سازمان تأمین اجتماعی از مفاد بخشنامه است. از نظر این دسته از افراد، کارشناسان سازمان تأمین اجتماعی بسیاری از

۱. گزارش جلسه بررسی مسائل و مشکلات دانشگاه‌ها در خصوص بیمه قراردادهای پژوهشی با حضور نمایندگان دانشگاه‌های صنعتی شریف، امیرکبیر، وزارت علوم و سازمان تأمین اجتماعی در مورخ ۱۳۹۱/۸/۲ در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۲. گزارش جلسه کارگروه ارتباط صنعت و دانشگاه در دفتر هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۱۷.

۳. گزارش جلسه بررسی مسائل و مشکلات دانشگاه‌ها در خصوص بیمه قراردادهای پژوهشی با حضور نمایندگان دانشگاه‌های صنعتی شریف، امیرکبیر و سازمان تأمین اجتماعی در مورخ ۱۳۹۱/۸/۲ در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۴. مصاحبه با مدیران عامل برخی مؤسسات پژوهشی بخش خصوصی، ۱۳۹۱/۸/۲۰.

«پروژه‌های پژوهشی که نیازمند کار میدانی است را در زمره فعالیت‌های کارگری قرار داده و همانند مقاطعه‌کاری در حوزه فعالیت‌های عمرانی با آنها برخورد می‌کند». علاوه بر آن سازمان تأمین اجتماعی تقریباً همه قراردادهای پژوهشی را مشمول کسر حق بیمه می‌کند. نمایندگان دانشگاه‌ها در جلسات برگزار شده اشاره داشتند که برای کارشناسان سازمان تأمین اجتماعی این استدلال که «چون دانشگاه‌های دولتی مشمول صندوق بازنشستگی کشوری و وابسته به وزارتخانه علوم و فناوری هستند، بنابراین منطقاً باید از دریافت حق بیمه و مفاصاحساب معاف باشد، پذیرفتنی نیست، زیرا آنها با اشاره به محتوای قرارداد و بیان ادله‌هایی چون بدهکاری دانشگاه به سازمان، عمرانی بودن بخشی از قرارداد و حتی بیان اینکه انجام چنین فعالیتی با این مبلغ از عهده یک یا چند عضو هیئت علمی خارج است، قرارداد را مشمول ضریب دریافت حق بیمه می‌کنند». در واقع به نظر می‌رسد مبنای دریافت کسورات بیمه‌ای قراردادهای پژوهشی نه مفاد قرارداد و نه تعداد عاملان آن، بلکه بیشتر تابع نظر و تفسیر کارشناسان سازمان تأمین اجتماعی از موضوع است. این درحالی است که در بسیاری از قراردادهای پژوهشی در متن قرارداد به پژوهشی بودن قرارداد اشاره شده است، همچنین اعضای تیم پژوهش همه از اعضای هیئت علمی رسمی دانشگاه هستند که از حقوق تمامی آنها کسورات بیمه‌ای کسر می‌شود. به این لحاظ، حق بیمه دریافتی سازمان تأمین اجتماعی از قراردادهای پژوهشی، در واقع هزینه مضاعفی است که بر پژوهشگران و مجریان طرح‌های پژوهشی تحمیل می‌شود.

همان‌طور که گفته شد مبنای عمل سازمان تأمین اجتماعی در برآورد حق بیمه



قراردادهای پژوهشی در نهایت تفسیر کارشناس شعبه از مفاد قرارداد و بخشنامه است که البته تفسیری مضیق است و به همین علت هم، عموم قراردادهای پژوهشی مشمول دریافت حق بیمه می‌شوند.

پیامدهای ناشی از رویه‌های جاری دریافت حق بیمه

رویه سازمان تأمین اجتماعی در برخورد با قراردادهای پژوهشی مشکلات بسیاری را برای پژوهشگران اعم از حقیقی و حقوقی ایجاد کرده است. دامنه این مشکلات به اندازه‌ای است که برخی از رؤسای دانشگاه‌ها را بر آن داشت تا با نگارش نامه‌هایی به مسئولان سازمان تأمین اجتماعی و وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی تقاضای حل و فصل موضوع را داشته باشند. از نظر دانشگاهیان بیمه قراردادهای پژوهشی با رویه‌ای که توسط سازمان تأمین اجتماعی دریافت می‌شود عملاً موجب مشکلات مالی و اداری بسیاری برای دانشگاه‌ها شده است. بروز مشکلات یاد شده درحالی اتفاق می‌افتد که اساساً دریافت حق بیمه از نظر آنها موضوعیت ندارد. در همین راستا در جلساتی که با برخی نمایندگان دانشگاه‌ها، کارشناسان سازمان تأمین اجتماعی برگزار شد، موضوع بررسی و اهم مسائل و مشکلات مربوطه به شرح زیر از سوی مدعوین مطرح شد:

- دریافت کسورات بیمه‌ای از قراردادهای پژوهشی که اعضای آن خود نزد سازمان‌های بیمه‌ای، بیمه هستند و سازمان نیز در قبال آن خدمتی ارائه نمی‌دهد اساساً موضوعیت ندارد. ضمن آنکه در مورد قراردادهایی که پژوهشگران آن حتی نزد سازمانی بیمه نیستند نیز به دلیل ماهیت پژوهش و غیرمستمر بودن آن عملاً

- پژوهشگران را از بیمه برخوردار نمی‌کند. این درحالی است که درحال حاضر بسیاری از اعضای جامعه پژوهشی کشور تحت پوشش سازمان‌های بیمه‌ای هستند.
- عموم دانشگاه‌ها در زمینه کسورات بیمه‌ای دچار مشکل شده‌اند. دانشگاه‌ها هزینه فرصت زیادی را صرف دریافت مفاصاحساب از سازمان می‌کنند. به‌زعم دانشگاهیان رویه موجود انگیزه پژوهش در دانشگاه‌ها را به‌شدت کاهش داده است.
 - رویه‌های دریافت حق بیمه در شعب سازمان تأمین اجتماعی حتی از یک کارشناس به کارشناس دیگر متفاوت است. حتی در مورد قراردادهای مشابه نیز رویه‌های غیریکسان اعمال می‌شود.
 - مرجع تشخیص مشمول کسورات بیمه‌ای دانستن قراردادهای پژوهشی و تعیین میزان حق بیمه در نهایت کارشناس سازمان است.
 - کارشناسان سازمان، پژوهش‌های میدانی را عموماً پژوهش قلمداد نمی‌کنند.
 - سازمان تأمین اجتماعی از تجهیزات مورد نیاز برای انجام پژوهش‌ها با وجود اعلام رسمی کارفرما و ارائه مستندات خرید تجهیزات نیز کسورات بیمه‌ای دریافت می‌کند.
 - در مواردی که قرارداد کاملاً پژوهشی است و توسط اعضای هیئت علمی انجام می‌شود که نزد سازمان بازنشستگی کشوری بیمه هستند نیز سازمان اعمال ضریب کرده و از قراردادهای پژوهشی حق بیمه دریافت می‌کند. مبنای عمل سازمان در این گونه موارد معمولاً این گونه است که برای هر عضو هیئت علمی که در قرارداد پژوهشی به‌عنوان همکار فعالیت دارد معادل دو برابر حداقل دستمزد حق الزحمه در



نظر گرفته و آن را از مبلغ قرارداد کسر کرده و مابقی را مشمول کسورات بیمه‌ای می‌کند.

- به روایت برخی دانشگاه‌ها ارائه مفصاحساب برای برخی قراردادهای چندین سال به طول می‌انجامد.

علاوه بر موارد گفته شده در جلساتی که به منظور بررسی ارتباط صنعت و دانشگاه در کارگروه ارتباط صنعت و دانشگاه در مجلس شورای اسلامی برگزار شده است، مقوله بیمه قراردادهای پژوهشی به‌عنوان یکی از مشکلات و مسائل مربوط به ارتباط بهینه صنعت و دانشگاه قلمداد شده است. در این خصوص نمایندگان دانشگاه به اجماع اظهار داشته‌اند که بیمه قراردادهای پژوهشی یکی از مشکلات جدی ارتباط صنعت و دانشگاه است.

لازم به ذکر است که مشکلات یاد شده صرفاً مختص دانشگاه‌ها و کلیه جامعه پژوهشی کشور را شامل می‌شود. براساس مصاحبه‌هایی که با برخی از مدیران شرکت‌های پژوهشی بخش خصوصی به‌عمل آمد، آنان نیز موارد گفته شده را تأیید می‌کردند.

ارزیابی مبانی قانونی و رویه‌های دریافت حق بیمه

در قسمت‌های قبل به مبانی قانونی دریافت حق بیمه اشاره شد، در این بخش به تحلیل مبانی یاد شده می‌پردازیم و تلاش می‌کنیم به این پرسش پاسخ دهیم که آیا براساس قوانین و مقررات، سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند به شیوه‌ای که هم اکنون

حق بیمه دریافت می‌کند، از قراردادهای پژوهشی حق بیمه دریافت کند؟ به عبارت دیگر آیا بخشنامه‌های سازمان تأمین اجتماعی برآمده از مفاد قانون تأمین اجتماعی است و یا آنکه سازمان تفسیر موسع و دلبخواهی از قوانین دارد؟ در ثانی آیا تأمین اجتماعی خدمتی در مقابل دریافت این حق بیمه به پژوهشگران ارائه می‌کند؟ برای پاسخگویی به پرسش‌های یاد شده به خوانش قوانین یاد شده می‌پردازیم.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد ظاهراً مبنای بخشنامه‌های تأمین سازمان تأمین اجتماعی دو ماده (۳۸) و (۴۱) قانون تأمین اجتماعی است، اما نکته در اینجاست که نه در ماده (۳۸) و نه در ماده (۴۱) سخنی در خصوص پژوهش و یا قراردادهای پژوهشی به میان نیامده است. در ماده (۳۸) در خصوص حق بیمه مقاطعه‌کاری‌ها سخن به میان آمده است، اما سازمان تأمین با تفسیر آن قراردادهای پژوهشی را هم مقاطعه‌کاری لحاظ کرده است. نکته قابل تأمل آنکه در همان ماده نیز اشاره شده است که «حق بیمه به ترتیب مقرر در ماده (۲۸) دریافت شود. در ماده (۲۸) نیز آمده است که «منابع درآمد سازمان به شرح زیر است:

۱. حق بیمه از اول مهرماه تا پایان سال ۱۳۵۴ به میزان ۲۰ و ۸ درصد مزد یا حقوق است که ۷ درصد آن به عهده بیمه شده و ۱۸ درصد به عهده کارفرما و ۳ درصد به وسیله دولت تأمین خواهد شد.

۲. درآمد حاصل از وجوه و ذخایر و اموال سازمان.

۳. وجوه حاصل از خسارات و جریمه‌های نقدی مقرر در این قانون.

۴. کمک‌ها و هدایا.



تبصره «۱»- از اول سال ۱۳۵۵ حق بیمه سهم کارفرما ۲۰ درصد مزد یا حقوق بیمه شده خواهد بود و با احتساب سهم بیمه شده و کمک دولت کل حق بیمه به ۳۰ درصد مزد یا حقوق افزایش می‌یابد.

همان‌طور که ملاحظه شد ماده (۲۸) مبنای دریافت حق بیمه را مزد یا حقوق بیمه شده قرار داده است، در صورتی که سازمان تأمین اجتماعی مبنای یاد شده را تغییر داده و خود اقدام به اعمال ضریب بر قراردادهای پژوهشی کرده است. بنابراین حتی اگر قراردادهای پژوهشی را نوعی مقاطعه‌کاری در نظر بگیریم مبنای دریافت حق بیمه آن مزد یا حقوق بیمه شده است. یعنی مقاطعه‌کار باید کسانی که در مقاطعه فعالیت دارند را نزد سازمان تأمین اجتماعی بیمه کند (البته مشروط به آنکه قبلاً بیمه نشده باشند وگرنه دوباره بیمه کردن اساساً موضوعیت ندارد) و حق بیمه آن را (سهم کارگر و کارفرما) براساس ۲۷ درصد مزد یا حقوق ماهیانه بپردازد. در صورتی که سازمان تأمین اجتماعی با عدول از منطق این ماده و با تفسیر ماده (۴۱) که اشعار دارد «در مواردی که نوع کار ایجاب کند سازمان می‌تواند به پیشنهاد هیئت مدیره و تصویب شورای عالی سازمان نسبت مزد را به کل کار انجام یافته تعیین و حق بیمه متعلق را به همان نسبت مطالبه و وصول نماید» برای قراردادهای پژوهشی اعمال ضریب می‌کند. جالب آنکه به منطق همین ماده نیز وفادار نمانده و علیرغم تصریح بر دریافت حق بیمه براساس نسبت مزد به کل کار، یعنی ۲۷ درصد مزد و حقوق، کل مبلغ قراردادهای پژوهشی را مشمول دریافت حق بیمه می‌کند.

سازمان تأمین اجتماعی در حالی اختیار ماده (۴۱) را در مورد ماده (۳۸) تسری می‌دهد که قانون تأمین اجتماعی در ماده‌های قبلی مصادیق انواع کارهایی که رویه‌های

دریافت مزد و حقوقی متفاوت از رویه‌های مرسوم دارند را مشخص کرده است. در ماده (۳۱) آمده است که «در مورد بیمه‌شدگانی که تمام یا قسمتی از مزد و درآمد آنها به وسیله مشتریان یا مراجعین تأمین می‌شود درآمد تقریبی هر طبقه یا حرفه مقطوعاً به پیشنهاد هیئت مدیره و تصویب شورای عالی تعیین و مأخذ دریافت حق بیمه قرار خواهد گرفت». ماده (۳۲) اشعار دارد که «در مورد بیمه‌شدگانی که کارمزد دریافت می‌دارند حق بیمه به مأخذ کل درآمد ماهانه آنها احتساب و دریافت می‌گردد، این حق بیمه در هیچ مورد نباید از حق بیمه‌ای که به حداقل مزد کارگر عادی تعلق می‌گیرد کمتر باشد». ماده (۳۳) به نوع متفاوتی از حقوق‌بگیری اشاره دارد، «حق بیمه کارآموزان باید به نسبت مزد یا حقوق آنها پرداخت شود و در هر حال میزان حق بیمه در این مورد نباید از میزانی که به حداقل مزد یا حقوق تعلق می‌گیرد کمتر باشد. در صورتی که مزد یا حقوق کارآموز کمتر از حداقل دستمزد باشد پرداخت مابه‌التفاوت حق بیمه سهم کارآموز به عهده کارفرما خواهد بود». همان‌طور که اشاره شد قانون در این مواد برای انواع مختلف رویه‌های مزد و حقوق‌بگیری تعیین تکلیف کرده است. ماده (۳۸) هم به مقاطعه‌کاری اشاره دارد. بنابراین اگر قانونگذار خواستار اعمال اختیار ماده (۴۱) به مفاد ماده (۳۸) بود اساساً همانند موادی که اشاره شد خود تکلیف را مشخص می‌کرد و به صراحت اعلام نمی‌کرد که دریافت حق بیمه براساس صورت مزد یا حقوق و مطابق با ماده (۲۸) باشد. گذشته از آن ترتیب قرار گرفتن ماده‌های یاد شده (اینکه اول ماده (۳۸) آمده و بعد ماده (۴۱)) نیز تأییدی است بر این مدعا. بنابراین تسری مفاد ماده (۴۱) بر ماده (۳۸) موضوعیت ندارد.



حال اگر بپذیریم که تسری مفاده ماده (۴۱) بر ماده (۳۸) منطقیاً امکانپذیر است و سازمان نیز برخلاف ماده (۴۱) که نسبت مزد به کل کار اشاره دارد، بتواند بر قراردادهای پژوهشی اعمال ضریب کند، آنگاه این پرسش به وجود می‌آید که اعمال ضریب منطقیاً قابل قبول و با مواد دیگر قانون تأمین اجتماعی و سایر مقررات همخوانی دارد؟

براساس مقررات سازمان تأمین اجتماعی دریافت حق بیمه حداقل و حداکثر دارد. براساس مقررات یاد شده کسورات بیمه‌ای از مزد و حقوق بیمه شده نمی‌تواند از نه بیست و هفتم حداقل دستمزد هر سال کمتر و حداکثر آن نمی‌تواند از نه بیست و هفتم ۷ برابر حداقل دستمزد بیشتر باشد. این سخن به این معناست که اگر بیمه‌شده‌ای حتی ماهیانه ۲۰ برابر حداقل دستمزد همان سال هم حقوق دریافت کند، صرفاً معادل ۷ برابر حداقل دستمزد هر سال از حقوق دریافتی او مشمول کسورات بیمه‌ای می‌شود. برای مثال اگر حداقل دستمزد ۴۰۰ هزار تومان باشد و بیمه‌شده‌ای ماهیانه ۸ میلیون تومان هم حقوق دریافت کند، حق بیمه این شخص معادل نه بیست و هفتم ۷ برابر حداقل دستمزد یعنی حدوداً ۷۵۶ هزار تومان خواهد شد که البته سهم شخص بیمه شده حدوداً ۱۹۶ هزار تومان است. به عبارت دیگر سازمان تأمین اجتماعی صرفاً ۲۸۰۰ هزار تومان از مبلغ یاد شده را می‌تواند مشمول دریافت حق بیمه کند. سازمان تأمین اجتماعی در پرداخت مستمری‌ها هم از همین منطق استفاده می‌کند. یعنی مستمری فرد بازنشسته نمی‌تواند از ۷ برابر حداقل دستمزد بیشتر باشد. در واقع منطق حاکم بر محاسبات تأمین اجتماعی در همه جای دنیا، محاسبات بیمه‌ای است و این دسته از سازمان‌ها تناسبی میان دریافت حق بیمه و پرداخت

مستمری‌شان برقرار است. اما بر خلاف این قاعده، شیوه عمل سازمان تأمین اجتماعی در بیمه قراردادهای پژوهشی از هیچ منطق بیمه‌ای تبعیت نمی‌کند، زیرا:

اولاً عموم پژوهشگرانی که مجری قراردادهای پژوهشی هستند یا نزد سازمان تأمین اجتماعی و یا نزد سازمان‌های دیگر بیمه هستند. آن دسته از پژوهشگرانی که نزد سازمان‌های دیگر از جمله سازمان بازنشستگی کشوری بیمه هستند که اساساً نمی‌توانند از هیچ خدمت بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی برخوردار شوند. بنابراین دریافت حق بیمه از این دسته از افراد موضوعیت ندارد. از آن دسته از پژوهشگرانی که خود نزد سازمان تأمین اجتماعی بیمه هستند نیز دریافت حق بیمه موضوعیت ندارد. البته برخی کارشناسان تأمین اجتماعی استدلال می‌کنند که ممکن است که این دسته از بیمه‌شدگان سقف حق بیمه را به دلیل آنکه حقوقشان کم است پرداخت نکنند. در این خصوص نیز باید اشاره داشت که اولاً عموماً پژوهشگران، استادان دانشگاه‌ها هستند که قطعاً سقف حق بیمه را پرداخت می‌کنند، در ثانی آن دسته‌ای هم حقوقشان کمتر از آن است منطقاً باید تا سقف حق بیمه مشمول کسورات بیمه‌ای شوند. درحالی که برای مثال اگر از قراردادی پژوهشی ۱۵۰ میلیون تومانی که ۵ نفر در آن به مدت ۵ ماه فعالیت دارند، ۱۶/۸ درصد حق بیمه یعنی ۲۵/۲ میلیون تومان حق بیمه دریافت شود به منزله آن است که هر یک از افراد یاد شده ماهیانه ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان حق بیمه پرداخت کرده‌اند. در صورتی حداکثر کسورات بیمه‌ای در شرایط فعلی معادل ۷۵۶ هزار تومان است. در این صورت هر یک از افراد یاد شده ماهیانه ۲۵۲ هزار تومان مازاد بر سقف بیمه مقرر شده به سازمان تأمین اجتماعی حق بیمه



پرداخت می‌کنند. این در صورتی است که هیچ یک از افراد یاد شده مزد و حقوق‌بگیر هیچ مؤسسه، شرکت یا بنگاهی نباشند و سازمان تأمین اجتماعی هم برای افراد یاد شده سابقه حق بیمه لحاظ کند (آنها را رسماً بیمه کند). در صورتی که شواهد و قرائن حاکی از آن است که به دلیل اینکه مبنای دریافت حق بیمه نه لیست مزد و حقوق که درصدی از کل مبلغ است در اکثر موارد هیچ سابقه‌ای برای افراد لحاظ نمی‌شود. در این گونه از موارد سازمان تأمین اجتماعی اولاً مازاد بر سقف کسورات بیمه‌ای از افراد حق بیمه دریافت می‌کند در ثانی هیچ سابقه‌ای برای آنها لحاظ نمی‌کند.

حال اگر افراد موصوف همه استادان دانشگاه باشند، عملاً سازمان تأمین اجتماعی بدون لحاظ کمترین سابقه‌ای برای افراد زیربط، بیش از ۲۵ میلیون تومان حق بیمه دریافت کرده است. اگر رقم یاد شده را به جای ۱۵۰ میلیون تومان، ۱/۵ میلیارد تومان در نظر بگیریم و مجریان پژوهش همه استادان دانشگاه باشند، سازمان تأمین اجتماعی با همان ضریب ۱۶/۸ درصد، مبلغ ۲۵۲ میلیون تومان حق بیمه‌ای دریافت می‌کند که هیچ خدمتی بابت آن ارائه نمی‌کند. در واقع در چنین وضعیت‌هایی بیمه به منزله نوعی مالیات قلمداد می‌شود که نظام پژوهشی کشور آن را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می‌کند. در صورتی که اساساً مطابق با فلسفه نظام‌های تأمین اجتماعی و محاسبات بیمه‌ای چنین چیزی نادرست و غیرقابل اغماض است. به نظر می‌رسد سازمان تأمین اجتماعی با تفسیری یک‌سویه از قانون، به قراردادهای پژوهشی به منزله منبع درآمد می‌نگرد. هم از این‌رو است که بخشنامه‌های سازمان به گونه‌ای تدوین می‌شود که تفسیربردار بوده و دست کارشناس را برای اعمال ضریب باز می‌کند.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شد سازمان تأمین اجتماعی قراردادهای پژوهشی را با استفاده از مفاد ماده (۳۸) قانون تأمین اجتماعی مقاطعه‌کاری لحاظ کرده و استفاده از اختیارات قانونی ماده (۴۱) قانون تأمین اجتماعی با اعمال ضریب پیمان از آنها حق بیمه دریافت می‌کند. اما به نظر می‌رسد که پژوهش را بنا به ماهیت آن نمی‌توان در زمره مقاطعه‌کاری دانست، زیرا مقاطعه‌کاری در فعالیت‌های عمرانی موضوعیت می‌یابد. گذشته از آن اساساً استفاده از اختیارات قانونی ماده (۴۱) قانون تأمین اجتماعی و تسری مفاد آن به ماده (۳۸) که خود از صراحت لازم برخوردار بوده و دریافت حق بیمه را براساس ماده (۲۸) قرار داده است، به لحاظ حقوقی محل ایراد است. ضمن آنکه براساس قواعد و محاسبات بیمه‌ای که مبنای عمل سازمان‌های تأمین اجتماعی در کشورهای مختلف است، دریافت حق بیمه باید متناسب با خدمات ارائه شده باشد. به همین لحاظ نمی‌توان حق بیمه‌ای دریافت کرد که قرار نیست بابت آن خدمتی ارائه شود. گذشته از آن، مطابق مقررات خود سازمان تأمین اجتماعی دریافت حق بیمه نمی‌تواند بیشتر از سقف مصوب باشد، کما اینکه پرداخت مستمری هم نمی‌تواند بیشتر از سقف مصوب سازمان باشد. از این نظر نیز دریافت حق بیمه از قراردادهای پژوهشی که در اکثر موارد چندین برابر سقف مصوب سازمان، آن هم از افرادی که عموماً بیمه شده سازمان و یا سازمان بازنشستگی کشور هستند (و دریافت حق بیمه مجدد از آنها موضوعیت ندارد)، به لحاظ قانونی محل ایراد است. این سخن بدان معناست که نمی‌توان منطق مالیات بر درآمد را بر بیمه استوار کرد.



درحالی که سازمان تأمین اجتماعی با چنین رویکردی از همه قراردادهای پژوهشی حق بیمه دریافت می‌کند و البته هیچ خدمتی هم ارائه نمی‌کند. اگر این رویکرد سازمان تأمین اجتماعی را بپذیریم باید از همه قراردادهای وکالتی که بین وکلا و موکلین منعقد می‌شود هم حق بیمه دریافت کرد. همین‌طور از قراردادهایی که بین پزشکان متخصص با بیمارستان برای انجام اعمال جراحی منعقد می‌شود. به همین منوال می‌توان فعالیت‌های بسیار دیگری را با استناد به همین منطق سازمان، مشمول دریافت حق بیمه کرد. اما پرواضح است که چنین منطقی پذیرفتنی نیست.

لازم به ذکر است که براساس مفاد بند «ج» ماده (۱۱) قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی (مصوب ۱۳۸۷)، اساساً دریافت حق بیمه تأمین اجتماعی صرفاً براساس لیست است و لذا سازمان تأمین اجتماعی با توجه به مفاد این قانون نیز نمی‌تواند بر قراردادهای پژوهشی اعمال ضریب کند. بر همین مبنا هم دیوان عدالت اداری بخشنامه‌های جدید درآمد سازمان تأمین اجتماعی را ابطال کرده است. با این حال نظر به اینکه رویه‌های موجود نشان از عدم رعایت مفاد قانون یاد شده توسط سازمان تأمین اجتماعی دارد. شاهد این مدعا نیز بخشنامه جدید سازمان تأمین اجتماعی است که مقایسه آن با بخشنامه قبلی تأییدی است بر این نکته که سازمان تأمین اجتماعی در نهایت نگاهی صرفاً درآمدی به قراردادهای پژوهشی دارد. و در عین حال استمرار چنین رویه‌ای پیامدهای ناگواری برای نظام پژوهش در کشور دارد، تنها راه حل مشکل یاد شده اصلاح ماده (۳۸) قانون تأمین اجتماعی است که در قالب پیشنهاد زیر آمده است.

پیشنهاد

با توجه به مطالب گفته شد، اصلاح رویه ناصواب سازمان تأمین اجتماعی در خصوص بیمه قراردادهای پژوهشی باید از طریق افزودن تبصره‌ای به ماده (۳۸) قانون تأمین اجتماعی به شرح زیر انجام شود:

از تاریخ تصویب این قانون، تبصره‌ای در قالب تبصره «۲» به ماده (۳۸) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ الحاق می‌شود:

تبصره «۲»- حق بیمه قراردادهای تحقیقاتی و پژوهشی و فناوریانه به صورت زیر دریافت می‌شود:

الف) حق بیمه مطابق ماده (۲۸) قانون تأمین اجتماعی و براساس صورت مزد و حقوق ارائه شده از سوی پژوهشگر محاسبه و وصول می‌شود.

ب) در صورتی که موضوع پژوهش توسط شخص پژوهشگر (یک نفر یا چند نفر به صورت گروهی) انجام شود و یا مزد و حقوق‌بگیران مربوط، بازنشسته و یا مشمول سایر صندوق‌های بیمه و بازنشستگی باشند، در این صورت قرارداد پژوهشی مشمول دریافت حق بیمه نخواهد بود.

ج) در صورتی که پژوهشگر یا پژوهشگران مشمول هیچ یک از صندوق‌های بیمه و بازنشستگی کشور نباشد، می‌توانند با استفاده از قانون اصلاح بند «ب» و تبصره «۳» ماده (۴) قانون تأمین اجتماعی خود را نزد سازمان بیمه نماید. گواهی انجام پژوهش توسط شخص پژوهشگر یا پژوهشگران و یا مشارکت افراد بازنشسته و افراد مشمول سایر صندوق‌ها به عنوان مزد و حقوق‌بگیر در قرارداد پژوهشی با تأیید

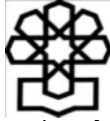


واگذارنده کار خواهد بود.

د) منظور از قراردادهای تحقیقاتی، پژوهشی و فناورانه، قراردادهایی است که توسط دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی وابسته به دانشگاه‌ها، مراکز علمی، آموزشی و پژوهشی، پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد و شرکت‌های مستقر در آنها که دارای مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری هستند انجام می‌شود، همچنین قراردادهایی که دستگاه‌های اجرایی مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری با اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی، غیردولتی و سایر منعقد می‌کنند و یا قراردادهایی که از سوی بخش غیردولتی به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار می‌شود. در هر حال ملاک تشخیص تحقیقاتی، پژوهشی و فناورانه بودن قرارداد با تأیید کارفرمای مربوط خواهد بود.

منابع و مأخذ

۱. قانون تأمین اجتماعی همراه با قوانین و مقررات مرتبط و قانون برنامه پنجم توسعه، معاونت حقوق و امور مجلس سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۰.
۲. بخشنامه ۱۴۲ جدید درآمد سازمان تأمین اجتماعی، مصوب ۱۳۸۰.
۳. بخشنامه ۱۴۸ جدید درآمد سازمان تأمین اجتماعی، مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۱۶.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۲۱۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بیمه قراردادهای پژوهشی مبانی و احکام قانونی، رویه‌های جاری

نام دفتر: مطالعات اجتماعی (گروه آموزش عالی و تحقیقات)

تهیه و تدوین‌کنندگان: فرهاد نصرتی‌نژاد، احمد خدادادی

همکاران: احمد داوری، فاطمه سبزعلی

ناظران علمی: علی اخوان بهبهانی، ایروان مسعودی‌اصل

مناقضی: کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. بیمه قراردادهای پژوهشی

۲. حق بیمه

۳. دانشگاه

۴. مراکز آموزشی و پژوهشی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۷/۸